

## نقد دیدگاه مستشرقان درباره غزوات پیامبر (ص)

محمد تقی متانت پور<sup>۱</sup>

### چکیده

غزوات حضرت محمد (ص) یکی از مباحثی است که در تاریخ زندگانی پیامبر اسلام (ص) مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. در مورد اینکه آن حضرت با چه انگیزه و اهدافی به این جنگ‌ها اقدام نمود، تحلیل‌ها و سخن‌های فراوان و گاه متعارضی ایراد گردیده است. اکثر مستشرقان اهداف جنگ‌های پیامبر (ص) را مادی و در راستای سلطه سیاسی و اقتصادی بر دیگران می‌دانند و برخی انگیزه‌هایی همچون کسب مال، گسترش اسلام، نفی حرمت ماههای حرام و ... را مطرح کرده‌اند. این نوشتار با بررسی چند فرضیه از فرضیه‌های مطرح شده در زمینه انگیزه پیامبر اسلام از اقدام‌های نظامی، خط بطلانی بر فرضیه‌های موجود (از دیدگاه مستشرقان) کشیده و اثبات می‌کند که این جنگ‌ها نه تنها بصورت تجاوزکارانه و با انگیزه خشونت طلبی نبوده بلکه در مقابل تهدیدات و پیمان شکنی متجاوزان بوده است و جنبه تدافعی دارد.

**واژه‌های کلیدی:** مستشرقین، غزوات، پیامبر (ص).

---

<sup>۱</sup>. کارشناس ارشد اندیشه سیاسی در اسلام

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۴/۱۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۷/۱۵

مستشرقان درباره جنگ‌های رسول خدا (ص) و اهداف آن نظر واحدی ندارند برخی از آنان با بررسی منصفانه اسناد و منابع تاریخی تحلیل نسبتاً مقبولی ارائه داده‌اند و جنگ‌های عصر پیامبر (ص) را امری ضروری برای حیات اسلام و مسلمانان می‌دانستند. و بعضاً برخی دشمنان اسلام و نویسندگان غربی خود را به زحمت انداخته تا ثابت کنند که پیشرفت سریع اسلام، به زور شمشیر و سلاح بوده است و کوشیده‌اند تا از دین اسلام و پیام‌آور آن، حضرت محمد (ص) چهره‌ای خشن، مستبد و خونریز به جهانیان ارائه دهند. وقتی ابعاد گوناگون زندگی آن حضرت، به خصوص وقایع مربوط به جنگ را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهیم، می‌بینیم که ایشان تا حد امکان سعی می‌کردند از جنگ پرهیزند و با مخالفان از در صلح و مدارا وارد شوند و در صورت بروز جنگ نیز، ارزش‌های اخلاقی را در هر شرایطی مراعات می‌کردند به همین دلیل این جنگ‌ها، کشته و زخمی چندانی نداشت و برعکس، موجب نزدیکی، تسامح و دوستی‌ها و صلح می‌شد. پیامبر اکرم (ص) حتی در دوران اقتدار سیاسی نیز برای تمامی مردم مظهر واقعی رحمت الهی و پیام‌آور راستین صلح و دوستی بودند. و این امور و امثال آنها بود که موجبات گسترش اسلام را به نقاط دیگر فراهم آورد. در نوشتار پیش رو به بررسی چند نظریه و نقد و بررسی آن می‌پردازیم.



## کسب غنایم برای امرار معاش و جلب پیروان

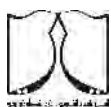
ویل دورانت در تشریح وضعیت جامعه اسلامی پس از هجرت مسلمانان به مدینه، کمبود غذا در مدینه و تأمین آن به رسم معمول قبایل عرب را دلیل تعرض پیامبر (ص) به کاروان‌های قریش می‌داند. کارن آرمسترانگ نیز معتقد است:

«در زندگی صحرا گردی، یکی از راه‌های آسان کسب ثروت، حمله به قبیله دیگر و ضبط دارایی آنان است. به همین جهت محمد (ص) در سال ۶۲۳ دو گروه مهاجم برای حمله به کاروان‌ها را بر سر راه آنان اعزام داشت» (آرمسترانگ، ۱۳۸۳، ف، ۲۲۸-۲۲۷).

ابن وراق نیز به شکل اهانت آمیزی معتقد است پیامبر اکرم (ص) به پیروان خود دستور می‌داد، به دیگران دستبرد بزنند و به جای اینکه با روش مشروع به وضع مالی‌اش سر و صورت بدهد، پیروانش را مجاز کرده بود، اموال و دارایی‌های دیگران را بگیرند. (ابن وراق، ۱۳۷۸، ۲۰۳). فیلیپ کی. حتی رمز تأمین نیاز مادی مسلمانان مدینه را دلیل قطع طریق کاروان اهل مکه در راه بازگشت از سوریه و تحت رهبری ابوسفیان می‌داند. (داوری، ۱۳۸۲، ۳۴۳).

مؤلف کتاب بیست و سه سال نیز به هنگام بحث پیرامون سریه النخله که به فرماندهی عبدالله بن جحش انجام گرفت می‌گوید:

«از دیر باز میان قبایل عرب این عادت متداول بود که برای رسیدن به مال و دولت به قبیله ضعیف‌تر هجوم کنند و مال و خواسته آنها را به چنگ آورند.



برای مسلمین یثرب در آن زمان جز این راه، راه دیگری وجود نداشت. پس از سریه النخله هجوم به قافله‌های قریش و طایف‌های مخالف، یگانه وسیله تأمین اوضاع مالی مسلمین شد. سریه «النخله» آغاز غزوه‌های دیگری است که اوضاع مالی و سیاسی حضرت محمد و یارانش را بهبود می‌بخشد و آن را به سوی قدرت و استیلا بر شبه جزیره عربستان رهنمون می‌شود. اما حادثه‌ای که مستقیماً سبب تقویت بنیه مالی و از دیاد شان مسلمانان گردیده دست انداختن بر اموال یهودیان یثرب بود.» (دشتی، ۲۰۰۳، م، ۴۹). مؤلف کتاب بازشناسی قرآن نیز در تعابیر و جملات مشابه پیکارها و غزوات مسلمانان را چه با کفار و مشرکان و چه با یهودیان کسب مال و غنیمت می‌داند (انصاری، ۱۳۷۸، ۵۸-۵۷).

#### نقد و بررسی

گرچه در هر نبردی وجود انگیزه‌های مادی برای شرکت کنندگان در آن نبرد، فرضی محتمل است، اما این امر بدان معنا نیست که تحلیل گر تاریخ بی آنکه به اسناد و مدارک به صورت جامع استناد جوید، متناسب با فضای ذهنی خود وجود این انگیزه مادی را مسلم گرفته و آن را به مجموع سپاهیان نسبت دهد و حتی در فرض مورد بحث، انگیزه مادی را به عنوان عاملی مقبول و مورد استفاده از سوی حضرت محمد (ص) و اسلام، برای تحقق اهدافی همچون امرار معاش و یا ترغیب افراد به اسلام، معرفی نماید.

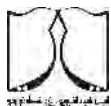
تاریخ گواهی می‌دهد که اتخاذ سیاست ایجاد الفت و مودت در میان کلیه مسلمانان (بدون در نظر گرفتن بافت‌های مختلف قبیله ای و نژادی) از سوی حضرت محمد (ص)، پس از هجرت به مدینه و در همان دوران آغازین حضور پیامبر اسلام (ع) در این شهر، از طریق بستن قراردادهای پیمان اخوت و ... نقش بسزایی در یاری رساندن انصار به مهاجرین و رفع نیاز مالی آنان ایفا کرد.

«وقتی که مهاجران به مدینه آمدند، انصار آنها را با آغوش باز پذیرفتند و در خانه‌های خود جای دادند، حتی در بردن مهاجران به خانه‌های خود، با هم به رقابت پرداختند تا اینکه با قرعه، در میان خانه‌های آنان پخش شدند و انصار معیشت و زندگی آنها را تأمین کردند.» (محرمی، ۱۳۷۸، ۱۳۹۶-۱۳۷) .

جابر می‌گوید:

«وقتی انصار، خرمای خود را برداشت می‌کردند، هر یک آن را دو قسمت می‌نمودند، یکی از کمتر از دیگری، سپس چوب درخت خرما را نیز در طرف کمترش قرار می‌دادند. آنگاه مسلمانان (مهاجران) را مخیر می‌کردند تا قسمت بیشتر را خود بردارند و قسمت کمتر را به جهت چوب‌های نخل خود انصار بر می‌داشتند» (الکانه‌هلوی، ۱۴۰۶ ق، ۳۲۸-۳۲۹) .

همکاری انصار آن چنان برجسته بود که قرآن کریم از این ایثار آنان چنین یاد می‌کند:



«و نیز کسانی راست که در سرای هجرت و ایمان پیش از ایشان جای گرفته‌اند. هر که را که به سوی آنان هجرت کرده است، دوست می‌دارند و در سینه‌های خویش از آنچه به آنان (مهاجران) داده شده نیازی نمی‌یابند و [آنان] را بر خویشتن بر می‌گزینند هر چند که خود بدان نیازمند باشند، و هر که از بخل و آز خویش نگاه داشته شود، ایشان‌اند رستگاران»

برتولد اشپولر نیز در زمینه سیاست پیامبر اسلام، حضرت محمد (ص) برای رفع مشکل مالی مهاجرین می‌گوید:

«در آغاز، کار تأمین احوال اقتصادی و ایجاد رفاه برای پیروانش که از مکه مهاجرت کرده بودند، دشواری‌هایی به وجود آورد. پیغمبر در صدد بر آمدن تا این دشواری‌ها را از طریق ایجاد رابطه خونی، در بین ساکنان تازه (مهاجران) و بومی‌ها (انصار) حل کند و از این مهم تر کوشید تا با صادر کردن یک حکم بلدی تمام اهل شهر را قطع نظر از دینی که دارند، وادارد که با هم در رفع اختلافات بکوشند و در حمایت از مسلمین تشریک مساعی کنند.» (اشپولر، ۱۳۸۴، ۳۴).

از سوی دیگر، در تعالیم اسلامی تأکید فراوانی بر کار و تلاش‌های سازنده کشاورزی، تجاری و ... برای امرار معاش صورت گرفته است، بی آنکه غارت اموال دیگران به عنوان طریقی برای امرار معاش (آن چنان که در دوره جاهلیت مرسوم بوده است) مطرح شده باشد.

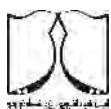
در سوره مبارکه توبه، قرآن کریم بر بعد اخروی جهاد تصریح نموده و برتری این بعد را بر متاع دنیا به طالبان دنیا گوشزد می‌کند. همچنین پیامبر اسلام (ص) تنها در موارد بسیار اندک و محدود به تصرف اموال اقدام کردند، و در موارد دیگر با اینکه قدرت کافی برای انجام آن داشتند از این عمل خودداری نمودند. بنابراین مسلمانان اساساً از این راه مالی به دست نیاوردند بلکه هدف صرفاً تهدید بود، تا خانه و اموال مصادره شده مسلمانان در مکه آزاد گردد.

آنگاه که اموال مسلمانان هجرت کننده به مدینه در مکه مورد غارت مشرکین مکه قرار می‌گیرد، آیا می‌توان، اقدام پیامبر برای تهدید اموال کاروان ابوسفیان که عازم شام بود را در جریان جنگ بدر (بلاذری، ۱۴۱۷، ۳۴۴). نشانه انگیزه سوء حضرت (ص) دانست؟ و این امر را بیانگر سیره ثابت آن حضرت در تصاحب اموال دیگران برای امرار معاش قلمداد نمود؟! بی تردید بین اتخاذ سیاست «مقابله به مثل» با سیاست «غارت برای امرار معاش» تفاوت فاحشی وجود دارد که این تحلیل گران به آن توجه نکرده‌اند.

ادوارد گبین، تاریخ نویس انگلیسی قرن هیجدهم، در این زمینه می‌گوید:

«در عرصه طبیعت، هر انسانی از این حق برخوردار است که در برابر دشمن مسلح، دست به سلاح ببرد و از خود و دارایی‌اش دفاع کند و بدین وسیله تعرض و خشونت دشمنان را دفع نماید و یا حتی از آن پیش‌گیری کند.»

حضرت محمد (ص) در انجام رسالت صلح جوینانه و خیر خواهانه اش، به واسطه بی‌عدالتی و بیداد هموطنانش مورد ستم و تاراج قرار گرفته و از شهر



خود رانده شده بود. تصمیم ایشان مبنی بر ایجاد ملتی مستقل، رانده شدگان مکه را به مراتب عالی‌تر و اختیاراتقا داده بود و بدین ترتیب، او از امتیاز مشروع «ائتلاف‌ها» و ترتیب دادن «جنگ‌های دفاعی» برخوردار می‌شد (صمیمی، ۱۳۸۲، ۹۸-۹۹). پیامبر اسلام در اوج قدرت و پس از فتح مکه، نه تنها به اموال دشمنان دیرینه‌اش تعرض نکرد، بلکه حتی پس از نبرد حنین به مشرکین تازه مسلمان شده که تا دیروز در جرگه دشمنان کینه توز او بودند، اموالی را تخصیص داد که مورد اعتراض یاران مدنی‌اش قرار گرفت. آیا این امور با انگیزه غارت و تصاحب اموال در اقدام‌های نظامی سازگاری دارد؟ برتولد اشپولر در زمینه برخورد پیامبر اسلام (ص) با مکیان پس از فتح مکه می‌گوید:

«در سال ۶۳۰ ضربت قاطع فرود آمد. شهر تقریباً بدون مقاومت تسلیم شد و تأمین جانی و مالی کسانی که از جنگ دست بردارند و در خانه بمانند، تضمین شد و این نکته ای بود که پیغمبر (ص) در آن باره اصرار و تاکید ورزید. علاوه بر این، وی حسن نیت صادقانه ای نسبت به مکیان ابراز کرد. از لحاظ مادی به قدری مزایا به آنها عطا کرد، که صحابه قدیم خود وی بنای اظهار ناخشنودی نهادند و لازم شد از پیغمبر بشنوند که دلجویی این (المولفه قلوبهم) به وسیله مال امری است که کاملاً بر طبق امر الهی انجام یافته است. در جنگ خیبر برخی مسلمانان به زراعت و سبزی کاری یهود تعرض می‌کردند و یهود از این بابت به رسول خدا (ص) شکایت بردند. پیامبر (ص) دستور دادند تا مردم جمع شدند و آن حضرت پس از حمد و ثنای خداوند



فرمودند یهودیان شکایت کرده‌اند که شما به سبزه زارها و مزارع ایشان تجاوز می‌کنید در صورتی که ما به ایشان در مورد خون‌ها و اموالشان امان داده‌ایم و معاهده بسته‌ایم، و همچنین درباره زمین‌های آنها در دست خودشان باقی مانده است، پیمان بسته‌ایم و با آنها معامله کرده‌ایم و نمی‌توان اموال کسانی را که با آنها پیمان داریم، تصرف کنیم مگر در مقابل حق. پس از آن مسلمانان هیچ چیز از یهودیان نمی‌گرفتند، مگر اینکه پول آن را پرداخت می‌کردند و چه بسا یهودیان به مسلمانان می‌گفتند این سبزی را مجانی به شما می‌دهیم! و آنها بدون پرداخت قیمت از پذیرش آن خودداری می‌کردند.» (واقعی، ۱۴۰۹ ق، ۶۹۱).

در جنگ خیبر پس از آنکه حضرت علی (ع) از سوی پیامبر به عنوان فرمانده جنگ تعیین شد، پیامبر (ص) به علی دستور پیشروی داد، (سبحانی، ۱۳۶۷، ۲۵۰). جمله زیر، آخرین جمله‌ای بود که مقام فرماندهی بدرقه راه علی (ع) ساخت:

«به خدا قسم اگر خداوند به وسیله تو یک تن را هدایت کند برای بهتر از این است که شتران سرخ موی مال تو باشد (کنایه از اینکه پیروزی و غنایم نصیب گردد)» (سبحانی، ۱۳۶۷، ۵۴۴).

اما در خصوص تحلیل مؤلف کتاب بازشناسی قرآن نیز که کسب غنایم برای جلب پیروان بیشتر را از سوی پیامبر اسلام (ص) به عنوان انگیزه اقدام‌های نظامی آن حضرت (ص) ابراز داشته است، مؤلف تنها با استناد به حمله پیامبر (ص) به سه گروه یهودی (بنی قینقاع، بنی نضیر و بنی قریظه) قصد پیامبر



(ص) از این حملات را کسب غنیمت و در نتیجه جلب افراد بیشتر به اسلام از این طریق، عنوان کرده است. حال آنکه، تاریخ به خوبی گواهی می‌دهد که حضرت محمد (ص) پس از هجرت به مدینه با بستن قراردادهایی با اقوام مختلف یهود (واقعی، ۱۴۰۹ ق، ۱۷۶). با آنان رفتار مسالمت آمیزی را در پیش گرفت و تنها پس از نقض پیمان از سوی هر یک از سه گروه یهود بنی قینقاع، (واقعی، ۱۴۰۹ ق، ص ۱۷۶). بنی النضیر و بنی قریظه و تخلف آنان از قراردادها و تعهداتشان برابر حکومت اسلامی پیامبر (ص) بر اساس مفاد همان قرار دادها پیامبر (ص) با آنها برخورد کرد، ضمن اینکه حمله ای اتفاق نیفتاد و بنی قینقاع و بنی نضیر تمام اموالشان را با خود بردند و حتی در و پنجره خانه‌های خود را کردند و بردند.

همان گونه که عنوان شد، نمی‌توان به طور کلی وقوع جنگ‌ها از سوی پیامبر (ص) را به انگیزه مالی نسبت داد، تا چه رسد به اینکه از پی آن انگیزه مالی، جلب پیروان بیشتر را انگیزه اصلی پیامبر (ص) عنوان کرد. از سوی دیگر، تاکید پیامبر (ص) بر رعایت دقیق موازین شرعی در زمینه غنیمت‌ها از جمله شواهدی است که تحلیل فوق را رد می‌کند.

### گسترش اسلام به زور شمشیر

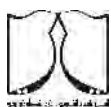
جان دیون پورت به هنگام ذکر اتهاماتی که عده ای بر ضد پیامبر اسلام، حضرت محمد (ص)، مطرح کرده‌اند، می‌گوید: «محمد (ص) دینش را به وسیله شمشیر تبلیغ کرد، موجب تضييع خون‌های زیاد گردید». (دپورت،

۱۳۴۴، ۱۷۹). آبه دو ورتو (یکی از اعضای آکادکی هنر و ادبیات فرانسه) در رساله خویش با عنوان «در باب مؤلف قرآن» گوید: «محمد با لبه شمشیر به تبلیغ اسلام می‌پرداخت» همچنین مؤلف کتاب بیست و سه سال، در خصوص شخصیت پیامبر در دوره مدینه در مقایسه با شخصیت آن حضرت در دوره مکه می‌گوید:

«هجرت نبوی مبدأ تاریخ و مصدر تحولی است بزرگ، ولی خود این رویداد معلول تحول شگرفی است که در شخصیت حضرت محمد (ص) پدید آمده و سزاوار است زیر ذره بین روان‌شناسان و دانشمندان و جویندگان اسرار روح آدمی قرار گیرد. مردی زاهد و وارسته از آلودگی‌های زمان خود که دنیا را مراحل آخرین خود تصور کرده و روز بازخواست را قریب الوقوع می‌داند، مردی که پیوسته به آخرت اندیشیده، قوم خود را به ستایش خداوند جهان دعوت می‌کند، زور و ستم را نکوهش و افراط در خوشگذرانی و غفلت از حال مستمندان را ملامت می‌کند، چنین مردی که به روش مسیح سراپا شفقت است، یکباره مبدل به جنگجویی می‌شود سرسخت و بی‌گذشت که می‌خواهد دیانت خود را به زور شمشیر رواج دهد لذا در مقام تأسیس دولتی بر می‌آید که در راه تحقق آن از هیچ گونه وسیله‌ای روی گردان نیست». (دستی، ۲۰۰۳، ۴۵).

و در جای دیگری از کتاب خویش می‌گوید:

«عامل مهم و اساسی پای گرفتن اسلام و انتشار آن، دم شمشیر، کشتن بی‌دریغ و شدت عمل بود و باید بی‌درنگ اضافه کرد که این روش، ابداع و



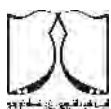
ابتکار حضرت محمد نیست بلکه از عادات و سنن قومی عرب سرچشمه می‌گیرد.» (دستی، ۲۰۰۳، ۹۶). مؤلف کتاب بازشناسی معتقد است جنگ با مخالفان اسلام، فرصتی بود تا مسلمانان دین و عقیده خود را به مغلوبین تحمیل کنند. (انصاری، ۱۳۷۸، ۵۷). پیامبر اسلام (ص) با مخالفانش با آتش و شمشیر رفتار می‌کرد، نه با آموزش‌های اخلاقی و معنوی. منطق محمد (ص) با مخالفانش عبارت بود از: «یا ایمان بیاورید، یا برده شوید و یا بمیرید.» (انصاری، ۱۳۷۸، ۶۸).

### نقد و بررسی

در دوره مدینه غزوات و سریه‌های متعددی بین مسلمانان و دشمنان اسلام واقع گردید که تماماً جنبه دفاعی داشت. بی تردید در بسیاری از این نبردها، مسلمانان از شمشیر استفاده نمودند. اما اشتباه تحلیل گران فوق در اینجاست که استفاده پیامبر از شمشیر را به عنوان عامل مهم و اساسی گسترش اسلام معرفی نموده‌اند. و برخی از اینان تنها عادت اعراب در استفاده از شمشیر را، شاهی بر درستی سخن خویش قرار داده‌اند. حال آنکه در تحلیل انگیزه پیامبر اسلام (ص)، از جنگ‌هایش، می‌توان دفاع، نقض پیمان از سوی دشمن، مقابله به مثل، مانور نظامی و ... را با مستندات تاریخی به اثبات رساند. البته تحلیل هر یک از جنگ‌های پیامبر اسلام (ص) و برشمردن علل آن، خود نوشتار مستقلاً را طلب می‌کند و در این مختصر نمی‌گنجد. بنابراین، سخن مولفان فوق از سویی گفتاری غیر مستند و در نتیجه غیر مقبول از منظر یک تحقیق تاریخی است. از سوی دیگر به شهادت تاریخ، آن حضرت در دوره

مکه از هر نوع برخورد نظامی با مشرکین خودداری ورزید. حتی آن زمان که فشار مشرکین بر مسلمانان تشدید یافت، حکم خروج از مکه و هجرت به حبشه را برای رهایی از این فشار، صادر نمود. (ابن اسحاق، ۱۳۶۸، ۱۷۴). در جریان محاصره در شعب ابی طالب نیز راه نظامی را در پیش نگرفت. فشار فراوانی که مخالفان پس از وفات خدیجه و ابوطالب در سال ۱۰ بعثت بر او وارد نمودند، او را به استفاده از روش‌های قهر آمیز سوق نداد. تاریخ برای دوره مکه، نمونه‌های فراوانی از تبلیغ و تلاش شخص نبی اکرم برای گسترش اسلام، که طبیعتاً قالب غیر نظامی داشت را، نقل کرده است.

گرچه در دوره مکه، بسیاری از مکیان و غیر مکیان اسلام اختیار نمودند و چه بسا در گرویدنشان به اسلام از انگیزه‌ها و سطوح معرفتی متفاوتی برخوردار بودند، اما به هر حال همان اعراب خشن و اهل جنگ و خون ریزی که مؤلف از آنان یاد می‌کند، بی آنکه شمشیری بر بالای سرشان قرار گیرد هسته اولیه مسلمانان را تشکیل دادند. در دوره مدینه نیز همان عوامل غیر نظامی، در گسترش اسلام مؤثر بود. در موارد متعددی نیز تاریخ با صراحت بیشتری از تأثیر عوامل غیر نظامی در اسلام آوردن افراد همچون حقانیت محتوای تعالیم اسلامی، سجایای اخلاقی پیامبر (ص) و ...، یاد کرده است. اسلام آوردن شخصیت‌هایی همچون جندب بن جناده (ابوذر) عمر بن عبسه السلمی، طلحه بن عبدالله و ... که از مسلمانان اولیه به شمار می‌روند، موید این تأثیرگذاری است. مردی از طایفه «عنس» نزد پیغمبر آمد و شهادتین گفت: پیغمبر پرسید: «شهادت تو از طمع است یا از ترس؟» آن مرد گفت: یا رسول الله! تو مالی



نداری تا از طمع باشد، و سرزمین من چندان از تو دور است که ارتش تو به آنجا نمی‌رسد تا از ترس باشد، مرا از خدا بیم دادند، ایمان آوردم. (کمالی، ۱۳۷۲، ۲۹۳). شرق شناس مشهور، همیلتن گیب، در این خصوص می‌گوید:

«از نظر ما جای گفتگو نیست که تسلطی که محمد (ص) بر اراده و عواطف اصحاب خود داشت، نتیجه نفوذ شخصیت وی بود و اگر چنین شخصیتی نداشت آنان اعتنایی به ادعای پیغمبر نمی‌کردند. استمداد مردم مدینه از او به جهت سجایای اخلاقی وی بود نه به علت تعالیم دینش. شک نیست که سرانجام این دو جنبه از زندگانی او حتی در نظر اصحاب رسول، تفکیک ناپذیر گشت، همچنان که برای مسلمانان نسل‌های بعد حال بدین منوال بوده است». پس از پیمان عقبه اول و اعزام «مصعب بن عمیر: به یثرب به عنوان مبلغ تعالیم اسلام، بسیاری از مردم یثرب حتی قبل از هجرت پیامبر (ص) به این شهر، در پرتو تبلیغ اسلام مسلمان شدند. (مجلسی، ۱۴۰۴، ۱۱). به علاوه، تاریخ به صراحت برای دوره مدینه و در موارد متعدد، اعزام نیروهای تبلیغی پیامبر (ص) برای گسترش اسلام را، به ثبت رسانده است. حتی واقعه رجیع و بئر معونه که در آن مبلغین اعزامی پیامبر (ص) مورد تعرض قرار گرفتند، پیامبر (ص) را از ادامه این سیاست باز نداشت.

عنایت ویژه پیامبر (ص) به تبلیغ دین و اهتمام آن حضرت به اسلام آوردن افراد از طریق مسالمت آمیز، در مفاد قرار داد صلح حدیبیه نیز به خوبی هویداست. آیا مباحثات فراوان پیامبر (ص) با مشرکین و همچنین با اهل کتاب، که در سور متعدد مکی و مدنی قرآن کریم بدان پرداخته شده است،

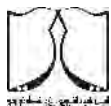
(نساء ۶۴، ۶۵، ۷۰ و ...) دلیلی آشکار بر سیره پیامبر در تبلیغ دین و گسترش اسلام به شکل غیر نظامی آن نیست؟! برخی از اندیشمندان غربی نیز با توجه به مجموع عملکرد پیامبر (ص) در دوره حیاتشان نظریه «گسترش اسلام به زور و شمشیر» را دیدگاه غیر قابل قبولی دانسته‌اند:

### ۱. توماس کارلایل

درباره اینکه محمد اسلام را با شمشیر به پیش برده، سخن بسیار گفته‌اند. اگر مردم این را دلیل بر سستی و دروغی بودن دین او بگیرند اشتباه و حق پوشی بزرگی کرده‌اند. این‌ها می‌گویند: اگر شمشیرها نبود اسلام پیش نمی‌رفت، من می‌پرسم این شمشیرها (و شمشیر زن‌های) اسلام را چه کسی به وجود آورد؟ غیر از قوه دین و ایمان بود که آنها را به وجود آورد؟... من معتقدم حق، خود به خود به هر حال پیش می‌رود. آیا مگر این مسیحیت نیست که گاهی شمشیر به کار می‌برد؟ آنچه که شارلمانی با قبایل «ساکسون» کرد در این باره کافی است....» (خوئینی، ۱۳۷۰، ۱۹۴).

### ۲. جان دیون پورت

«این تصور (توهم) که در ذهن پاره‌ای اشخاص راه یافته و کسانی هنوز تصور می‌کنند که دینی را که قرآن تعلیم داد، به وسیله شمشیر تبلیغ شده است، اشتباه و خبط خارق العاده‌ای است. زیرا به وضوح همه صاحب نظران و متفکرین بی‌غرض، تصدیق دارند که دین محمد که به وسیله آن نماز و زکات، جانشین خون قربانی‌های بشری گردید، و دینی که به جای جنگ و جدال و نزاع دائم و مستمر، روح خیر خواهی و بشر دوستی و فضائل اجتماعی را در نفوس دمید، و بنابراین بایستی در تمدن اثر و نفوذ مهمی داشته



باشد، در حقیقت، خیر و برکتی بود برای جهان شرق. و بالاخره برای قلع و قمع بت پرستی، مانند موسی نیازمند آن نبود که بدون مضایقه، ابزار و آلات جنگی و وسایل خون ریزی را مورد استفاده قرار دهد». (پورت، ۱۳۴۴، ۱۱۳ و ۱۱۴).

### ۳. گوستاو لوبون

«ما وقتی که فتوحات مسلمانان صدر اسلام را به دقت ملاحظه نماییم و اسباب و علل کامیابی آنها را در نظر بگیریم، می بینیم که آنها در خصوص گسترش دادن مذهب از شمشیر استفاده نکرده اند، زیرا آنها همیشه اقوام شکست داده را در قبول اسلام آزاد می گذاشتند...» (همان، ۲۶۰-۲۶۱).

### فیلیپ. جی. آدلر

«برخلاف تصور همگانی و امروزی مسیحیان، اسلام به طور کلی با زور تحمیل نشد» (آدلر، ۱۳۸۴، ۲۲۹).

«شمشیر جهاد ارتش های عرب در سده هفتم میلادی در شبه جزیره عربستان اسلام را به سرعت به همه جا برد، اما در فرجام کار باید گفت جذابیت آخرین دین مهم دنیای غرب یعنی اسلام از سعه نظر آن نسبت به تمام عقاید و نژادهای انسان از همه رنگ، ناشی می شد و فهم آسان آن و تضمین رستگاری و بهشت، کسانی را مجذوب خود کرد که اصول عقاید ساده آن را پذیرفتند... تفرقه میان مسیحیان ساکن خاور نزدیک و پاداش مالی برای فاتحان مسلمان و فرسودگی آن زمان بیزانشی ها و ایرانیان، انتشار اسلام را آسان کرد». (همان، ۲۳۹).



## کشتار مخالفان

در خصوص قتل و کشتار مخالفان توسط پیامبر اکرم (ص) و مسلمانان بسیار غلو شده است در حالی که، هیچ مستند تاریخی ندارند، تنها مورد قابل بحث، قضیه بنی قریظه است که آن هم به دلایل مستدل مورد غلو و اغراق قرار گرفته است. غربی‌ها نیز این واقعه را از منظر خودشان دیده‌اند. کارل آرمسترانگ پس از بیان حکم پیامبر (ص) در خصوص یهود بنی قریظه می‌گوید:

«محققان غربی، مانند ماکسیم رودنسون و دیلو مونتگمری وات، عقیده دارند که این حادثه را نباید با استانداردهای قرن بیستم بررسی نماییم. جامعه اعراب قرن هفتم بسیار بدوی بود. حتی بدوی تر از جامعه ای که ۶۰۰ سال پیش از آن مسیح در آن زندگی کرده و انجیل بخشنده را به مردم عرضه داشته بود. در این مقطع تاریخی، اعراب هیچ دانشی نسبت به مفهوم قانون طبیعی حقوق بشر نداشتند. بسیار مشکل بلکه غیر ممکن است که انسان‌ها بتوانند به این قانون دست یابند، مگر در لوای قانونمندی اجتماعی، مانند قوانینی که به وسیله امپراتوری‌های بزرگ آن زمان وضع می‌گردید. در زمان محمد (ص) مدینه احتمالاً به بیت المقدس در زمان پادشاهی داود (پیامبر) شبیه بوده، که به او قتل عام کننده مقدس لقب دادند و در یک زمان او دستور داد تا دویست فلسطینی را به نام خداوند قتل عام کرده و ... بنابراین، در ابتدای قرن هفتم و آن هم در جامعه بدوی آن روز عربستان چگونه می‌توان توقع داشت که یک رئیس، دستور مرگ هم پیمانان خیانت کار خود مانند بنی قریظه را صادر ننماید» (آرمسترانگ، ۱۳۸۳، ۲۸۱-۲۸۲).



رابرت آ. هیوم معتقد است، پیامبر اکرم (ص) از یهودیان مدینه انتقام خویش را گرفت (هیوم، ۱۳۷۳، ۳۰۳). در کتاب بازشناسی قرآن آمده است:

«محمد قصد داشت هم برای ارضای پیروانش و هم برای انتقام گرفتن از اهالی مکه که پیوسته او و دعوت نبوتش را به مسخره و مضحکه می گرفتند، با لشکریان مکه وارد یک جنگ اساسی شود و مخالفانش را در مکه قلع و قمع کند.» (انصاری، ۱۳۷۸، ۵۷).

جان دیون پورت نیز که در مواضع متعددی از حضرت محمد (ص) دفاع کرده است، در این زمینه می گوید:

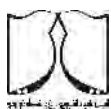
«محمد در مورد انتقام اشتباهاتی داشته است. ولی اغلب آنها قابل اغماض است، زیرا مستثنائی در این زمینه دیده می شود که در راه امنیت و نظم به کار رفته است.» (پورت، ۱۳۴۴، ۲۰۳).

### نقد و بررسی

تعداد کشته‌های یهود بنی قریظه، که مورد استناد برخی در ایراد تهمت‌های ناروا نسبت به پیامبر اسلام، حضرت محمد (ص)، قرار گرفته است، هم عقلاً و هم به لحاظ تاریخی فاقد مستندات قابل قبول است. برخی اندیشمندان اخبار نقل شده در خصوص کشتار بالای این دسته از یهود را جعلی دانسته و آن را مردود شمرده‌اند. (شهیدی، ۱۳۷۶، ۸۸ تا ۹۰). از تأمل در نتایج جنگ‌های پیامبر (ص)، چنین بر می آید که در هیچ یک از حوادث دیگر، آمار کشته‌های دشمن بالا نبوده است. تسلیم شدن و تن دادن به هر حکمی که

سعد بن معاذ (از اوسیان هم پیمان یهود بنی قریظه) صادر کند. منطبق بودن حکم سعد بن معاذ با حکم کتاب آسمانی یهود، قبیح تر بودن خیانت و شیوه عملکرد یهود بنی قریظه در مقایسه با طوایف دیگر یهود همچون بنی قینقاع، بنی نضیر، خیبر، می تواند از جمله گزینه‌های قابل فرض برای تفسیر و توجیه این تفاوت باشد. از سوی دیگر، خداوند تبارک و تعالی در قرآن کریم، پیامبرش را در جایی که مشرکین قصد خدعه ندارند، به پذیرش صلح فرا خوانده است:

«اگر به صلح و آشتی گراییدند- تمایل نشان دادند- تو نیز به آن بگرای و بر خدا توکل کن، که اوست شنوا و دانا. و اگر بخواهند تو را بفریبند، خداوند تو را بسنده است، اوست که تو را به یاری خود و به مومنان نیرومند کرد» (انفال، ۶۱ و ۶۲). خود آن حضرت نیز در جریان صلح حدیبیه که در طی آن با اتخاذ سیاست‌هایی زمینه ساز انعقاد صلح بود، صلح طلبی خویش را حتی برابر دشمنان دیرینه‌اش به اثبات رساند (النووی، ۱۴۰۷، ۱۳۷). از سوی دیگر، چگونه می توان پذیرفت پیامبری که به هنگام گسیل داشتن نیروهای نظامی برای سرایا، آنان را به رعایت حال دشمن سفارش می کند، «قتل و کشتار مخالفان» انگیزه جنگ‌هایش بوده باشد؟! وقتی رسول خدا (ص) گروهی را برای ماموریتی می فرستاد، فرمانده آنان را فرا می خواند و می فرمود: به نام خدا و با یاری خدا و در راه خدا و بر روش رسول خدا حرکت کنید. پیمان خود را نشکنید و خیانت موزید و مثله نکنید. درختان را قطع نکنید. پیران، کودکان و زنان را نکشید. هر مسلمانی چه پایین ترین نشان باشد و چه برترین نشان، اگر به یکی از مشرکین نظر حمایت دوزد، پس او را در حمایت است تا آنکه کلام



خدای را بشنود. پس اگر کلام خداوند عز و جل را بشنود و از شما پیروی کند، برادر دینیتان است و اگر خودداری ورزد پس از خداوند یاری طلبیده و او را به محل امنش بازگردانید. (القرزینی، ۱۴۲۴ ق، ۹۵۳).

برای کسی که سیاستش در جنگ‌ها بر این پایه استوار است که در میادین نبرد آغازگر جنگ نباشد، و حتی به اعتراف دشمنش «سلام بن مشکم» یهودی، تا گلوگاه او را نگیرند، اقدام به جنگ نمی‌کند، چگونه می‌توان ریختن خون دیگران را تمایلات درونی او دانست؟! از سوی دیگر، وجود مصادیق و شواهد مختلفی از لطف و رحمت نبی مکرم اسلام (ص) (تهرانی، ۱۳۷۳، ۹۳).. و وجود موارد متعدد از عفو و گذشت آن حضرت نسبت به دشمن شکست خورده، شاهدی گویا بر نادرستی این گونه تحلیل‌هاست. عفو آن حضرت در جریان فتح مکه برای آن عده که به جنگ با مسلمانان برنخیزند (زیدان، ۱۳۶۹، ۳۷-۳۸). و شدت رأفت پیامبر در این جریان، تا بدانجا که حتی برخی از انصار زبان به طعنه گشایند (جوزی، ۱۴۱۵ ق، ۳۶۹). و اعلام آن روز به عنوان روز رحمت در مقابل کسانی که آن را روز کشتار اعلام نموده بودند، (طبری، ۱۴۰۸ ق، ۳۳۴). گواهی صادق بر رفتار بزرگوارانه پیامبر با دشمنان دیرینه‌اش می‌باشد. آن حضرت در فتح مکه سیره عفو و گذشت را در پیش گرفت.

«از حدود ده بیست نفری که از عفو عمومی محروم شده بودند چندین تن پس از آن بخشوده شدند، معامله حضرت محمد (ص) با مردم مکه چندان کریمانه بود که چون خطر تازه‌ای از طرف شرق پیدا شد و همه آنان را تهدید

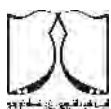
می‌کرد، ۲۰۰۰ نفر از ایشان به سپاه او پیوستند و در جلوگیری از آن خطر با او همراه شدند». (لمبتون، هوست، ۱۳۷۷، ۹۳-۹۴).

گوستاولوبون در زمینه ملاحظت پیامبر (ص) برابر دشمنانش می‌گوید:

«پس از جنگ بدر جریانات دیگری در میان حضرت محمد و همسایگان مدینه او اتفاق افتاد که در غالب آن پیش آمدها، غلبه و نصرت با آن جناب بود، و از خصوصیات او این بود که چون مغلوب می‌شد، مرعوب نمی‌شد، و چون فاتح و پیروز می‌گشت از حد اعتدال پا بیرون نگذاشته مغرور نمی‌شد و هیچ گاه با دشمنانش به سختی رفتار نکرد...»

«پس از اینکه به شهر مکه در آمد با قریشی که در طول بیست سال دست از آزار و دشمنی او نکشیده بودند، و از هر گونه اذیت و عنادی درباره او فرو گذار نموده بودند، با کمال مهربانی و ملاحظت رفتار کرد، و با سختی توانست آنها را از دستبرد یاران خشمگین خود (که در صدد انتقام از ایشان بودند) نگهداری فرماید.»

عفو و گذشت پیامبر (ص) نسبت به آزار و کینه ورزی‌های اعراب و پذیرش مخالفان دیروز در عام الوفود، و بسیاری از موارد دیگر که در تاریخ به ثبت رسیده است، تنها نمونه‌هایی چند از برخوردهای ملاحظت آمیز و پر مهر و محبت پیامبر (ص) است که تاریخ از خود به یادگار گذاشته است. سیاست حضرت محمد (ص) جهت آزاد سازی اسرای جنگ بدر، برخورد بزرگوارانه آن حضرت (ص) در خصوص اسرای هوازن (البیهقی، ۱۴۰۵، ق، ۱۹۰ تا



۱۹۵). رعایت نکات عاطفی حتی نسبت به اسرای دشمن در جنگ خیر، و همچنین به هنگام فروش اسرا و ...، از دیگر دلایل قاطع بر عدم وجود چنان تمایلات درونی در آن حضرت (ص) بود. یا با توجه به شواهد و قرائن متعدد فوق، وصف پیامبر (ص) به «پیامبر خون و کشتار» دیگر جایگاهی خواهد داشت؟! آن هم پیامبری که خود اصحابش را از داشتن انگیزه‌های ناصواب جاهلی به سوی انگیزه‌های متعالی دینی در جهاد سوق می‌داد. (العسقلانی، ۱۴۰۷ ق، ۳۳).

### نفی برخی از سنت‌های رایج اعراب

کارن آرمسترانگ در مورد صدور فرمان پیامبر حضرت محمد (ص) به عبدالله بن جحش به هنگام گسیل داشتن وی به سوی یکی از کاروان‌های قریش می‌گوید:

«این دستور درست در انتهای ماه رجب (ژانویه ۶۲۴). صادر شد، و زمانی که جنگ در سراسر عربستان به علت ماه‌های حرام تعطیل بود... محمد مطمئناً در صدور این فرمان نظر خاصی را اعمال می‌نمود. او می‌خواست قانون ماه مقدس را که از بت پرستی سرچشمه می‌گرفت، بشکند... سعی داشت کارها را به صورت آزمایش و خطا پیش ببرد. او کاملاً آماده بود تا مسئله ماه‌های مقدس را از سر راه خود بردارد. به نظر او این ماه‌ها دارای ارزش دینی نبودند.» (آرمسترانگ، ۱۳۸۳، ۲۲۹ و ۲۳۰).

## نقد و بررسی

مؤلف برای اثبات وجود چنان انگیزه ای در پیامبر اسلام (ص) به هنگام گسیل داشتن عبدالله بن جحش، جز وقوع حادثه (کشته شدن یکی از مشرکین) در ماه رجب که از جمله ماه‌های حرام بوده است، مستندی ارائه نمی‌دهد. گرچه برخی اعزام این نیرو از سوی حضرت محمد (ص) را در ماه رجب عنوان نموده‌اند، اما برخی دیگر مأموریت واگذار شده از جانب پیامبر (ص) به این عده را در ماه جمادی الاخر نقل کرده‌اند. (بلخی، ۱۴۱۷ ق، ص ۷۲). بر طبق برخی اخبار، شرکت کنندگان در این سریه نیز در حالی مرتکب قتل شدند، که تصور می‌کردند در ماه حرام قرار ندارند (سیوطی، ۱۴۰۳، ۶۰۱ و ۶۰۲). و یا نسبت به اینکه در ماه حرام قرار دارند، ابهام داشتند. برخی نیز تصریح کرده‌اند که پیامبر (ص) مأموریت این عده را کسب اطلاعات از دشمن تعیین نمودند. با این فرض ارتکاب قتل از سوی این عده، خارج از چارچوب تعیین شده برای آنان بوده است. از سوی دیگر، عکس العمل منفی پیامبر (ص) (محقق، ۱۳۶۴، ۷۷). برابر عملکرد نیروهای اعزامی پس از بازگشت آنان به مدینه، گویای عدم رضایت آن حضرت (ص) از وقوع چنان حادثه ای در ماه حرام می‌باشد.

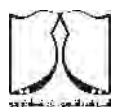
ضمن آنکه، حرمت قتال در ماه‌های حرام از حرام‌های الهی و از سنت‌های به جای مانده از زمان حضرت ابراهیم (ع) و اسماعیل (ع) بوده و قاعدتاً پیامبر اسلام (ص) نیز به عنوان پیرو آیین توحیدی ابراهیمی، با آن به مخالفت بر نمی‌خواست. به علاوه تحلیل مذکور به صراحت با آیات قرآن کریم به عنوام محور اصلی تعالیم نبی مکرم اسلام (ص) نیز ناسازگار است، زیرا در این

آیات، علاوه بر تأیید حرام بودن این ماه‌ها، رعایت حرمت ماه‌های مذکور مورد تأکید نیز قرار گرفته است. قرآن مجید می‌فرماید:

«تو را از کارزار کردن در ماه حرام پرسند، بگو کارزار کردن در آن [کاری] بزرگ است...» (بقره، ۲۱۷)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، [شکستن حرمت] نشانه‌های خدا را روا مدارید و نه [شکستن حرمت] ماه حرام...» (مائده، ۲)

«خداوند کعبه خانه شکوهمند را وسیله برپایی مردم قرار داد و [نیز] ماه حرام را...» (مائده، ۹۷)





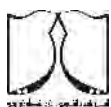
## نتیجه گیری

برخی از مستشرقین ادعا نموده‌اند در دین اسلام روابط مسلمان با غیر مسلمان هرگز بر صلح استوار نبوده و یک حالت خصمانه و جنگ دائمی بین آنها حاکم است. ولی حقیقت این است که در روابط بین المللی دولت اسلامی ضمن اصالت صلح، اصولاً جنگ و صلح تابع شرایط بوده و هدف اولیه، دفاع و تأمین آزادی عقیده و حقوق مسلمانان است. جنگ‌های پیامبر در هیچ زمانی تجاوز کارانه نبوده است بلکه در پاسخ به تجاوزات و نقض پیمان‌های دشمنان صورت می‌گرفت. و یکی از افتخارات اسلام این است که اولین آئین نامه اسیران جنگی و غیر نظامیان را به جهانیان عرضه داشت. پیامبر (ص) رعایت حقوق اسیران، زنان و کودکان، حفاظت از محیط زیست و احترام به کشته شدگان را همیشه به دیگران توصیه می‌نمودند.

از مجموع آنچه در این نوشتار آمده است، چنین بر می‌آید که حضرت محمد (ص) اقدام‌های نظامی خویش را با هدف «کسب غنایم برای امرار معاش و جلب پیروان بیشتر»، «گسترش اسلام به زور شمشیر»، «قتل و کشتار مخالفان»، «نفی برخی از سنت‌های رایج اهراب» آن چنان که برخی تحلیلگران بر آن پای فشرده‌اند، انجام نداده است.

بسیاری از تحلیل‌های نادرست در خصوص اقدام‌های نظامی حضرت محمد (ص) بدون استناد به اسناد و مدارک تاریخی، و تنها از سر ظن و گمان باطل تحلیل گر ارائه شده است در خصوص برخی تحلیل‌گران که دچار اشتباه‌های فاحشی شده و از تعبیر زشت و غیر علمی در خصوص نبی مکرم اسلام

استفاده کرده‌اند، به نظر می‌رسد راهی جز این باقی نمی‌ماند که یا سوء نیت و عناد، و یا اطلاعات سطحی و اندکشان را با اسلام، عامل تحلیل‌ها و تعبیرشان بدانیم. گرچه در برخی تحلیل‌ها مستندات از حوادث تاریخی مشاهده می‌شود، اما عدم تحقیق کافی پیرامون آن حوادث، موجبات سوء برداشت تحلیل‌گر را فراهم آورده است. در مواردی نیز توجه به یک حادثه و عدم توجه به مجموع حوادث دوره نبی اکرم، که می‌تواند مفسره سیره آن حضرت در زمینه جنگ‌ها باشد، عامل سوء برداشت تحلیل‌گر بوده است.



## منابع

- ابن اسحاق، محمد (۱۳۶۰). سیرت رسول الله، تصحیح اصغر مهدوی، بنیاد فرهنگ ایران.
- ابن وراق (۱۳۷۸). اسلام و مسلمانی، ترجمه مسعودانصاری، آمریکای شمالی، بی نا.
- اشپولر، برتولد (۱۳۸۴). جهان اسلام، ترجمه قمر آریان، تهران، امیرکبیر.
- انصاری، مسعود (۱۳۷۸). بازشناسی قرآن، تهران، نیما.
- آدلر، فیلیپ (۱۳۸۴). تمدن‌های عالم، ترجمه محمدحسین آریا، تهران، امیرکبیر.
- آرمسترانگ، کارل (۱۳۷۴). زندگی نامه پیامبر اسلام، تهران، حکمت.
- بلخی، ابوزید، (۱۴۷۱ق). البدء و تاریخ، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- بیهقی، ابوبکر (۱۴۰۵ق). دلایل النبوه و معارف احوال صاحب الشریعه، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- پورت، جان (۱۳۴۴). عذر تقصیر به پیشگاه محمد و قرآن، ترجمه سید غلامرضا سعیدی، تهران، شرکاء.



الجوزی، جمال الدین (۱۴۱۵ق). المتظم فی التوارخ الملوک و الامم، بیروت، دارالفکر.

خوئینی، علی آل اسحاق (۱۳۷۰). اسلام از دیدگاه اندیشمندان جهان، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

داوری، محمود (۱۳۸۲). تصویر شیعه در دایره المعارف آمریکانا، تهران، امیرکبیر.

دشتی، علی (۲۰۰۳م). بیست و سه سال، ویرایش علی ثمری، آلمان، نیما.

دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۵). خلاصه سیره نبوی، تهران، دریا.

\_\_\_\_\_ (۱۳۷۳). سیره نبوی منطق عملی، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

زیدان، جرجی (۱۳۶۹). تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، تهران، امیرکبیر.

سبحانی، جعفر (۱۳۵۸). راز بزرگ رسالت، تهران، کتابخانه مسجد جام.

\_\_\_\_\_ (۱۳۶۷). فروغ بدیت، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.

سیوطی، عبدالرحمان (۱۴۰۳ق). الدر المثلثور فی التفسیر الماثور، بیروت، دارالفکر.

شهیدی، سید جعفر (۱۳۷۶). تاریخ تحلیلی اسلام، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۳). تاریخ تحلیلی اسلام، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

صمیمی، مینو (۱۳۸۴). محمد (ص) در اروپا، ترجمه عباس مهر پویا، تهران، اطلاعات.

طبری، محمدبن جریر (۱۳۷۵). تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر.

عسقلانی، شهاب الدین (۱۴۰۷ق). فتح الباری به شرح صحیح البخاری، قاهره، دارالریان للتراث.

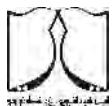
قزوینی، ابو عبدالله (۱۴۲۴ق). سنن ابن ماجه، بیروت، دارالکتب العلمیه.

الکاند هلوی، محمد یوسف (۱۴۰۶ق). حیات الصباحه، بیروت، داراحیاء التراث.

کمالی، سید علی (۱۳۷۲). خاتم النبیین، تهران، اسوه.

لمبتون، آن.ک.س (۱۳۷۷). تاریخ اسلام، پژوهش دانشگاه کمبریج، ترجمه احمد آرام، تهران، امیرکبیر.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق). بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء.



محرمی، غلامحسین (۱۳۷۸). پژوهشی پیرامون انصار، تهران، دفتر نشر اسلامی.

محقق، محمدباقر (۱۳۶۴). نمونه بینات در شان نزول قرآن، تهران، نشر

اسلامی.

النووی، ابی زکریا (۱۴۰۷ق). صحیح مسلم بشرح النووی، بیروت، دارالکتب

العربی.

واقدی، محمدبن سعد کاتب (۱۳۷۴). طبقات، ترجمه محمود مهدوی دامغانی،

تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

واقدی، محمدبن عمر (۱۳۶۹). مغازی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران،

مرکز نشر دانشگاهی.

هیوم، رابرت (۱۳۷۳). ادیان زنده جهان، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران،

فرهنگ اسلامی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی